

## مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکان در فرهنگ مردم ایران

محسن حنیف<sup>۱</sup>

علی تفکری<sup>۲</sup>

### چکیده

کودکان بخش جداناپذیری از فرهنگ مردم ایران هستند که تشریک مساعی و حضور آیینی آنها را در مراسم مختلف گذار، ملی، مذهبی و موسمی این سرزمین می‌توان واکاوی کرد. یکی از ساختارهای آیینی شادی بخش که کودکان در آن اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کنند، آیین «فیض‌طلبی» است. فیض‌طلبی، مراسمی است که طی آن گروهی از کودکان، با انتخاب استاد (سرگروه) به در منزل می‌روند و با خواندن اشعاری موزون و مفرح، طلب فیض و اعانه می‌کنند. در این مقاله، انواع فیض‌طلبی در دو گونه آیین‌های مذهبی و ملی آورده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فیض‌طلبی کودکان، ادبیات فیض‌طلبی، فیض‌طلبی در رمضان،

فیض‌طلبی در شعبان، فیض‌طلبی در محرم

---

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران و پژوهشگر و مترجم حوزه فرهنگ مردم  
mohsen.hanif@gmail

۲. کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی از دانشگاه پیام نور تهران جنوب  
tafakori\_fbox@yahoo.com

## مقدمه

در نگاه نخست و با کمی اغماض به نظر می‌رسد که کودکان و نوجوانان در حاشیه آیین‌های ایرانی قرار دارند اما با کندوکاو در لایه‌های زیرین رسوم و سنت‌ها می‌توان آیین‌هایی را سراغ گرفت که قایم به حضور و تشریک مساعی کودکان هستند. بیشترین حضور کودکان را در آیین طلب فیض و انعام می‌توان مشاهده کرد. این آیین، فضایی نشاط‌انگیز و سرورآفرین دارد که طی آن، کودکان با شور و اشتیاق در تعامل و گاه در تقابل با بزرگسالان قرار می‌گیرند و با تشکیل گروه و خواندن ترانه‌های جمعی که اغلب آنها طنزآمیز هستند، سهم‌خواهی می‌کنند.

ادبیات فیض‌طلبی که از جانب کودکان به کار گرفته می‌شود، رابطه مستقیمی با نوع سنت رفتاری و گفتاری بزرگسالان دارد به این نحو که اگر نیت کودکان برآورده شود، برای صاحب‌خانه طلب خیر، خوشی، افزونی، برکت و شادمانی می‌کنند و در غیر این صورت، بزرگسالان با هجو و طعن آنان روبه‌رو می‌شوند.

تنوع اشکال مختلف آیین فیض‌طلبی را باید در خلقیات و معصومیت کودکان جستجو کرد؛ خلق و خوئی که کودکان را در ستاندن انعام و نذورات از همسایگان بی‌پروا می‌دارد. عمده تفاوت آیین‌های طلب فیض در مناطق مختلف ایران در نوع اشعار و الحان و نیز در زمان و مکان مشاهده می‌شود.

از میان این خوانش‌ها می‌توان به نوروزنامه‌خوانی، صلوات‌خوانی و دوازده‌مأم‌خوانی اشاره کرد. در این مقاله، فیض‌طلبی‌هایی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در آیین‌های مذهبی ماه‌های رمضان، شعبان یا محرم و در برخی از آیین‌های ملی مانند شب یلدا، چهارشنبه‌سوری و عید نوروز اجرا می‌شدند.

## ۱. فیض‌طلبی در آیین‌های مذهبی

### ۱-۱. فیض‌طلبی در ماه مبارک رمضان

ماه رمضان، ماه بندگی، اخلاص و مهمانی خداست؛ این ضیافت‌الله در ایران با آیین‌های ویژه‌ای گره خورده و این ماه را به گنجینه و مجموعه‌ای ارزشمند از آداب و ادبیات تبدیل کرده است. طرفه آنکه اکثر این آیین‌ها در بستر خانواده شکل می‌گیرند و تمامی اعضای خانواده از خرد و کلان با اشتیاق تمام در آن تشریک مساعی می‌کنند.

#### ۱-۱-۱. الله‌رمضونی

یکی از آیین‌های فرح‌بخش و کودکانه ماه مبارک رمضان، «الله‌رمضونی» است. این آیین بیشتر در آبادی‌های مناطقی همچون یزد، مشهد، بیرجند، بجنورد و تربت جام رایج است و در برخی مناطق همچون رفسنجان به آیین «علی جان‌جانی»<sup>۱</sup> شهرت دارد. (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۱ و ۲۱۵)

این رسم ضمن ایجاد فضایی شوق‌انگیز، کودکان را از بخشش همسایگان خرسند و بزرگسالان را به نوازش کودکان ترغیب می‌کند و فرهنگ بخشش و مهرورزی را در قالب آیینی کودکانه نهادینه می‌سازد. اشعار «الله‌رمضونی» هر چند در لایه بیرونی، تقاضای فیض و انعام دارند، در لفافه و با بیانی شوخ‌طبعانه و رندانه قوت ایمان روزه‌داران را در مواجهه با ماه صیام و انتخاب بین لاغر شدن و کافر شدن به محک ترانه‌های رندانه و مذهبی می‌آزمایند. ضمن آنکه کودکان در این آیین، تشریک مساعی، جمع‌خوانی، هماهنگی با پیشخوان و تقسیم به مساوات هدایا را می‌آموزند و با انعام کسب شده، کام خود را از افطار از سر لطف همسایگان شیرین می‌کنند. در اینجا ضمن توصیف این آیین، تنها دو نمونه از اشعار الله‌رمضونی در خراشاد بیرجند و تربت جام روایت می‌شود:

---

۱. در رسم «علی جان‌جانی» اشعار پیشخوان متفاوت است و جواب آواز بچه‌ها چنین است: هو علی جان جان، علی جان

برای اجرای مراسم الله‌رمضونی، کودکان در کنار جوانان هر محله، با تشکیل گروه‌های پنج تا ده نفری، از شب اول ماه رمضان، بعد از افطار به در خانه‌ها می‌روند و اشعار الله‌رمضونی می‌خوانند. هر گروه از میان خود یک استاد و یک انباردار انتخاب می‌کند. وظیفه استاد، رهبری گروه و وظیفه انباردار، جمع‌آوری هدایاست. هدایا هم شامل پول یا خوردنی‌هایی مانند گردو، کشمش، بادام، قیسی هلو و زردآلو است. جوانان در تمام خانه‌های محله را می‌زنند و ترانه الله‌رمضونی می‌خوانند و فیض می‌طلبند. آخر سر هم در گوشه‌ای جمع می‌شوند و با استفاده از نور مهتاب، آنچه را به دست آورده‌اند، بین خود تقسیم می‌کنند و به خانه‌هایشان باز می‌گردند. شعرهای الله‌رمضونی، روایت خراشاد بیرجند:

#### کودکان:

#### استاد:

حق یا محمد	محمد یا علی
حق یا محمد	حسین بن علی
حق یا محمد	آن روز که سر حسین بر نیزه زدند
حق یا محمد	مرغان هوا به یک طرف خیمه زدند
حق یا محمد	از بهر حسین سنگ بر سینه زدند
حق یا محمد	«رمضون» اومده با سی و سه سوار
حق یا محمد	چوب وردشته که تو روزه بدار
حق یا محمد	روزه می‌دارم لاغر می‌شوم
حق یا محمد	گر نمی‌دارم کافر می‌شوم
حق یا محمد	رمضون اومده مهمونش کنید
حق یا محمد	گو و گوساله ر قربونش کنید
حق یا محمد	گو و گوساله که دستت نرسه

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۱۳

بز و بزغاله ر قربونش کنی      حق یا محمّد

چنانچه از طرف صاحب‌خانه در آوردن هدیه تأخیر شود، دسته‌جمعی می‌خوانند:

آقا مش قربان ما را یاد کنید      راه ما دوره ما را آزاد کنید

اگر این تأخیر اندکی بیشتر بشود، ادامه می‌دهند:

گل علی، بلبل علی یا صاحب دلدل علی

و اگر باز هم طول بکشد، به التماس می‌گویند:

یا ثوابی یا جوابی تو بده دانه نیازی

و در نهایت، چنانچه صاحب‌خانه از دادن هرگونه هدیه‌ای سر باز بزند، بچه‌ها ناامید از در آن خانه بازمی‌گردند.

کودکان با صاحب‌خانه‌هایی که پاسخ مثبت به آنها می‌دهند به شادی برخورد می‌کنند و در پایان مراسم بعد از آنکه هدایا را گرفتند، صاحب‌خانه را دعا می‌کنند:

کودکان:	استاد:
آمین	با مشّت پر
آمین	با روی سرخ
آمین	با زن و بچه
آمین	با اشتر و کجاوه
آمین	بروند به حج و کربلا

به این ترتیب وقتی که در همه خانه‌ها را زدند و اشعار «حق یا محمد» را خواندند، اعضای گروه در گوشه‌ای جمع می‌شوند و هدایا را تقسیم می‌کنند و به خانه‌هایشان بازمی‌گردند.

### روایت تربت جام:

#### پیشخوان:<sup>۱</sup> کودکان:

رمضان آمد با سی اسب سوار	رمضان یا رب، یا رمضان
چوب برداشت گفت: روزه بدار	السلامُ علیک ماه رمضان
گر روزه بگیرم لاغر می‌شوم	رمضان یا رب، یا رمضان
گر نگیرم کافر می‌شوم	السلامُ علیک ماه رمضان
رمضان سی روزه مهمان من است	رمضان یا رب، یا رمضان
بعد از آن قوت ایمان من است	السلامُ علیک ماه رمضان
رمضان سی روز یاری می‌کند	رمضان یا رب، یا رمضان
شکم‌های پر را خالی می‌کند	السلامُ علیک ماه رمضان

آنگاه برای اینکه از صاحب‌خانه تقاضای فیض کنند این شعر را می‌خوانند:

ای حاج آقا، تاج بر سر تو	صد و سی ساله شود پسر تو
این خانه از کیه که خش خش می‌کند	طبق چینی را پر کشمش می‌کند
این خانه از کیه که قم قم می‌کند	طبق چینی را پر گندم می‌کند

در این لحظه همه با هم می‌گویند: «یا ثواب، یا جواب، یا سنگ پنج من، یا کوزه آب» و به این ترتیب فیضشان را می‌گیرند و از خانه دور می‌شوند. (مشرف، ۱۳۸۰: ۵۸-۶۲)

۱. در تربت جام به سر گروه گفته می‌شود.

### ۱-۱-۲. کوله مرجان

این آیین که در بروجرد «کوله مرجون کشون» نامیده می‌شود، آیینی نمادین برای کیفر ظلم و مذمت قاتل امام علی علیه السلام یعنی ابن ملجم مرادی است. در این آیین، پیش از روز بیست و هفتم ماه رمضان، عروسک نمادینی از پارچه، چوب و کوزه می‌سازند و با خواندن اشعاری هجوآمیز ضمن به آتش کشیدن آدمک نمادین، برائت خود را از قاتل مولای متقیان علی علیه السلام نشان می‌دهند. (آنی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۹)

در پشتکوه خمین نیز این اشعار هجوآمیز را بچه‌ها در بیزاری از ابن ملجم می‌خوانند:

کوله‌مرجان مراد	لعنت به روح آن بابات
آن سگ چه بی‌حیا بود	بی‌رحم و پر جفا بود

در برخی نقاط، از جمله فرنگ خمین، این آیین با هلهله، کف زدن و فیض‌طلبی از در منازل همراه است و اگر دست رد به سینه بچه‌ها زده شود و فیضی به آنها نرسد، کودکان اهل خانه را هجو می‌کنند. (وکیلان، پیشین: ۱۱۷)

### ۱-۱-۳. دوست رفتن

این آیین، بیعت کودکان با ولایت مولی علی علیه السلام است. کودکان در این آیین شاد، در قالب فیض‌طلبی، خود را دوستان حضرت علی علیه السلام می‌خوانند و این گونه ضمن تجدید میثاق، عشق خود را به اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهند. این آیین به لحاظ ساختاری، شباهت بسیاری به آیین «الله رمضونی» دارد و تفاوت آن در زمان اجرا و خواندن اشعار آن است. از طرف دیگر، این آیین را می‌توان شکل دیگر «کوله مرجان» دانست که در آن به جای هجو ابن ملجم، اشعاری در مدح مولی‌الموحدين علیه السلام خوانده می‌شود و این گونه کودکان در قالب آیینی

۱۱۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مفرح، عشق خود را نسبت به اهل بیت علیهم السلام و بغض خود را در قالب هجونامه به دشمنان آنان به نمایش می‌گذارند.

در گذشته، آیین «دوست رفتن» در شهر یزد و آبادی‌های آن در شب بیست و هفتم ماه رمضان اجرا می‌شد. به همین دلیل، این شب در نزد اهالی به «شب دوست» یا «شب دوست علی» شهرت داشت. در این شب بعد از افطار، کودکان، نوجوانان و جوان‌های هر محله دور هم جمع می‌شدند و یک نفر را از میان خود با عنوان «سرکرده» یا «سرمردی» انتخاب می‌کردند. رسم «دوست رفتن» یک ساعت از شب رفته آغاز می‌شد و تا پاسی از شب ادامه می‌یافت. افراد گروه به در هفت خانه رو به قبله یا هفت خانه که صاحبانشان به حج رفته بودند می‌رفتند، و به در هر خانه‌ای که می‌رسیدند کوبه یا حلقه در را می‌کوبیدند و برای این که کسی آنها را نشناسد در حفاظ دیوار یا سایه مهتاب به انتظار می‌ایستادند تا از خانه صدای «کیه» بلند می‌شد. به محض شنیدن صدا همه با هم می‌گفتند:

دوست، دوست، یا الله

بعد «سرمردی» شروع می‌کرد به خواندن اشعار و جملات موزون و کودکان به او پاسخ می‌دادند:

**کودکان:**

گو! یا محمد، یا علی

گو! یا محمد، یا علی

گو! یا محمد، یا علی

**سرمردی:**

ما از اون بالای بالا اومدیم

ما از اون صندوق اعلا اومدیم

به توی صندوق پر از نقش و نگار

کبوتر قار می‌زد در فصل بهار

بلبلی نشسته بر شاخ گلی

دمبدم می‌گه صلوات بر علی



مروری بر انواع فیض طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۱۷

بلبلی نشسته بر شاخ رزی

دمبدم مگه لعنت بر یزید      گو! یا محمد، یا علی

بلبلی نشسته بر شاخ انار

دمبدم مگه بردار و بیار      گو! یا محمد، یا علی

صاحب‌خانه که با شنیدن صدای کودکان متوجه می‌شد دوستاناران حضرت علی علیه السلام آمده‌اند، فوری در را به رویشان باز می‌کرد و مقداری پول خرد یا خوراکی به سرمردی می‌داد. خوراکی‌ها بیشتر عبارت بود از نان بیست و هفتمی، نان خشک، گندم، خرما، سنجید، نقل، قند حبه، نخودچی، کشمش، نبات، انجیر خشک، پَره، آجیل، زولبیا، گوش فیل و بامیه.

بچه‌ها بعد از گرفتن فیض خوشحال و همصدا می‌خواندند:

این خونه چقد قشنگه      همش شربت قنده      امام حسین درشا نبنده  
به این ترتیب جوانان به اغلب خانه‌های محله سر می‌زدند و آخر شب آنچه را جمع کرده بودند میان خود تقسیم می‌کردند.

چنانچه خانه‌ای به بچه‌ها چیزی نمی‌داد، بچه‌ها شروع به خواندن می‌کردند و می‌گفتند:

عمه جان خلاصم کن، یا ارده به طاسم کن، یا بکش و رهایم کن  
یا:

الله و محمد و علی گفته بده

شیطان لعین دشمن دین گفته نده

می‌خوای بده می‌خوای نده

یا:

الله کـریم چنـد نفـریم

یک نون داریم شب بخوریم صبح نداریم

صبح بخوریم، شب نداریم می‌دی یا بریم؟

اگر صاحب‌خانه باز بی‌اعتنایی می‌کرد و چیزی نمی‌داد، کودکان ناامید باز می‌گشتند.

خوراکی‌ها و سکه‌هایی را که شب بیست و هفتم، در مراسم «دوست رفتن» می‌گرفتند، خوش‌یمن می‌دانستند و برای اینکه با سکه‌های دیگر عوض نشود آنها را به جیب‌هایشان می‌دوختند. (همان: ۱۲۳-۱۲۱)

#### ۱-۱-۴. الم ترانی

این فیض‌خواهی کودکانه متعلق به ساوه است که از شب بیست و هفتم تا آخر ماه رمضان اجرا می‌شد. این آیین هم با انتخاب مسن‌ترین فرد، به عنوان استاد یا مرشد آغاز می‌شد و با فیض‌خواهی و مدح صاحب‌خانه و تقسیم اعانات پایان می‌یافت. اما نکته قابل توجه این بود که کودکان و جوانانی که دسته «الم ترانی» را تشکیل می‌دادند، بیشتر به در خانه تازه‌عروسان و تازه‌نامزد شده‌ها می‌رفتند و از آنان طلب ثواب یا جواب می‌کردند. اشعار «الم ترانی» نسبت به آیین‌های مشابه دیگر از غنای کمتری برخوردارند و موارد آموزنده و مذهبی چندانی در آنها مشاهده نمی‌شود؛ تنها با عباراتی موزون و طنزآمیز برای نوعروسان طلب خوشبختی می‌کنند. این آیین با خواندن اشعار از سوی استاد و پاسخ کودکان چنین آغاز می‌شد:

**کودکان:**  
های، های

**استاد:**  
«الم ترانی» ات می‌گیم<sup>۱</sup>

۱. به تو می‌گویم

## مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۱۹

های، های	ماه «مضونی» ات می‌گیم
های، های	یک خرکی خریدیم
های، های	دم و گوشش بریده‌ایم
های، های	هر چه می‌زنیم راه نمیره

بعد استاد سرش را از لای در داخل خانه می‌کرد یا از درز «کلون» نام صاحبخانه را می‌گفت تا او متوجه شود که دسته از بچه‌های محل خودشان است، استاد پسر خانواده را که می‌خواست داماد شود، نام می‌برد. برای مثال، اگر اسمش محمد بود چنین می‌خواند:

کودکان:	استاد:
های، های	محمد آقا شما بید
های، های	نارنج دست شما بید
های، های	از کرمانشاه می‌آید
های، های	یک زن مقبول می‌خواید

در این موقع استاد با صدای بلند می‌گوید: «یک ثوابی، یک جوابی» صاحبخانه هم بستگی به سخاوت و توانایی‌اش از بالای بام هر چه مایل بود به پایین می‌انداخت. کودکان در مقابل در خانه‌هایی که دست خالی می‌ماندند و از گرفتن خوراکی مأیوس می‌شدند، سر و صدای زیادی راه می‌انداختند که نتیجه‌اش سرازیر شدن سطل آب از بام بر سرشان بود. آن وقت متفرق می‌شدند و به در خانه دیگری می‌رفتند و در نهایت، آنچه را جمع کرده بودند بین خودشان تقسیم می‌کردند. (همان: ۲۱۰)

### ۱-۱-۵. گری گشو

این آیین متعلق به مناطق جنوبی کشور است و بیشتر در شهرهای بوشهر، گناوه، دیر و برازجان، در شب پانزدهم ماه مبارک رمضان که به «نیمه برات» موسوم است، اجرا می‌شود. این آیین هم به گروه آیین‌های فیض‌طلبی تعلق دارد و جدای از زمان اجرای آن، به دلیل خاص بودن نوع اعانه، نیت اهداکنندگان و تقسیم اعانه برای برکت هر چه بیشتر بسیار چشمگیر و حایز اهمّیت است. (همان: ۲۱۵ و ۲۱۶)

### ۱-۱-۶. هومبابایی

این آیین یکی از جلوه‌های فیض‌طلبی کودکانه است که بیشتر در شهرها و آبادی‌های کاشان، آران، بیدگل، قمصر، نیاسر، راوند، محلات و کهک قم اجرا می‌شود. ساختار این آیین نیز همانند تمامی آیین‌های فیض‌طلبی است؛ یعنی پس از جمع شدن کودکان، از میان آنها، یک صندوق‌دار برای جمع‌آوری اعانات و یک میان‌دار برای «تک‌خوانی» انتخاب می‌شود و سپس در اولین خانه را می‌زنند و با خواندن اشعار سهم‌خواهی را آغاز می‌کنند و در صورت پرداخت انعام، صاحبخانه مدح و دعا می‌شود. تفاوت این آیین با آیین‌های مشابه دیگر، در زمان برگزاری و فلسفه پیدایش آن است. این رسم در کاشان، از اول ماه مبارک تا شب پانزدهم که آن را «شب نیمه» می‌نامند، پس از افطار اجرا می‌شود.

در فین کاشان، جوان‌ها و حتی بزرگ‌ترها از شب سوّم تا شب پانزدهم ماه مبارک رمضان به در خانه‌ها می‌رفتند و یک نفر خوش‌صدا سوره مبارکه «والشمس» را می‌خواند و بقیّه بعد از هر آیه پاسخ می‌دادند.

در پایان باید گفت این رسم را به این دلیل «هوم‌بابایی» می‌گویند که در یکی از اشعار، جواب آواز کودکان تکرار واژه هوم‌بابا هوم‌بابا است:

شکر لله که شدش نیمه ماه رمزون      هوم‌بابا هوم‌بابا

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۲۱

هوم‌بابا هوم‌بابا	کودکان جمله شدن خرم و خندون ز جهون
هوم‌بابا هوم‌بابا	به در خانه ارباب همه حیرانیم
هوم‌بابا هوم‌بابا	بر سر خلعت و هم قند از این کاشانه

(همان: ۲۰۷ و ۲۰۹)

## ۲-۱. فیض‌طلبی در ماه شعبان

همان‌گونه که گفته شد، بیشترین حضور کودکان در آیین‌های فرهنگ مردم ایران در آیین‌های فیض‌طلبی جلوه کرده است. از آنجا که کودکان برای ستاندن اعانه از همسایگان ابایی نداشته‌اند آیین‌های مشابهی در مراسم ملی، گذار و مذهبی این سرزمین، به امر و درایت بزرگ‌ترها و عمل و اجابت کوچک‌ترها رخ نموده است. عمده تفاوت آیین‌های فیض‌طلبی در مناطق مختلف ایران در نوع اشعار و آهنگ و خوانش آنها و نیز در زمان اجراست. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

### ۲-۱-۱. کمچه بَغکی (ثواب یا جواب)

از مراسمی که در شب نیمه‌برات در شوشتر مرسوم بود، آیین کمچه بَغکی است. بچه‌ها به صورت گروه‌های چندنفره به در منازل می‌رفتند و این اشعار را به صورت آهنگین و دسته جمعی می‌خواندند:

bača beča baraš maxu	بچه بچ برش مخو
	بره‌های کوچک (بچه‌ها) سهم‌شان را می‌خواهند
bair havijâše maxu	بیر حویجاش مخو
	سهم آجیل‌هایشان را می‌خواهند
havi jmavijâš maxu	حویج مویجاش مخو
	آجیل و شیرینی‌هایشان را می‌خواهند

kâha nalinaš maku

کاهه نلیناش مخو

سهم غذایشان را می خواهند

savâb yâ javâb

ثواب یا جواب

درست یا خیر (بمانیم یا برویم)

اگر صاحب‌خانه می‌خواست چیزی بدهد، می‌گفت ثواب و مقداری آجیل محلی که همان گندم و باقلا برشته بود، به آنها می‌داد و اگر چیزی نمی‌خواست بدهد، می‌گفت جواب. گاهی اوقات صاحب‌خانه برای شادی و خنده ظرف آبی را از روی پشت‌بام بر سر کودکان می‌ریخت.  
(حاجی محمدیاری، ۱۳۸۸: ۲۳)

#### ۱-۲-۲. هیکی (hiki)

در شهر یزد، این مراسم به آیین شب هیکی موسوم بود که صبح‌هنگام با صدای «هیکی بده هیکی بده» برای شادی و آمرزش اموات اجرا می‌شد.  
(شعبانی، ۱۳۸۷: ۳۷)

#### ۱-۲-۳. هراگیزکرد (harârgizkard)

در گذشته بزرگان قشم در شب نیمه‌شعبان از خانه‌های خود بیرون نمی‌رفتند تا پذیرای کودکان شادمانی باشند که آیین «هراگیزکرد» را اجرا می‌کنند. ویژگی این رسم حضور ویژه و پررنگ دختران کوچک در ستاندن اعانات بود.

این روز، روز شادی کودکان بود. آنان در محلی دور هم جمع می‌شدند و ضمن شادی و سرور به خوردن تنقلات می‌پرداختند و باقی‌مانده آجیل را نیز برای روزهای بعد نگه می‌داشتند. (همان: ۳۶)

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۲۳

### ۱-۲-۴. جیرجیرونی

در ورزنه اصفهان هم مراسمی به نام «جیرجیرونی» برگزار می‌شد که متولی آن کودکان و نوجوانان بودند.

در عصر چهاردهم شعبان، کودکان دور هم جمع می‌شدند و به در یک یک خانه‌های روستا می‌رفتند. یکی از کودکان به عنوان سر دسته یا سرگروه انتخاب می‌شد و شعری را می‌خواند و بقیه بچه‌ها جوابش را می‌دادند که به اصطلاح به آن «هیا یا پاسنگی» می‌گفتند:

سرگروه:	گروه:
جیرجیرونی	هیا
مالک کرون	هیا
نان می‌خواهم	
وردلیمون نی	هیا
پردامن ما بگذارید	
اگه بم نخواه گوشم به ونی	هیا
اگر خوردم گوشم را ببرید	
پوزگردو	هیا
گردو گردو است	
واهام نوکی چی دارو	هیا
بادام سرکوچک دارد	
وردلیمون نی	هیا
پردامن ما بگذارید	
اگه بم نخواه گوشم به ونی	هیا

اگر خوردم گوشم را ببرید  
 اُشتر به قطار  
 شتر به قطار  
 مالک را بیار  
 هُیّا  
 هُیّا  
 نان مالک بیاورد

در این هنگام در باز می‌شد و صاحب‌خانه مقداری نان روغنی مخصوص به نام «مالک» به همراه قند و نبات به سرگروه می‌داد. اگر صاحب‌خانه چیزی به کودکان نمی‌داد این بار آنها به جای هجو، از شیوه مدح و ستایش و آرزوی خوشبختی برای فرزند صاحب‌خانه استفاده می‌کردند و اینگونه وی را بر سر ذوق و بخشش می‌آوردند:

**گروه:**

**سرگروه:**

آقا علی مون تخت ناشت  
 هُیّا  
 علی آقا تخت نشسته است  
 عاروسمون ورش ناشت  
 هُیّا  
 عروس کنارش نشسته است  
 هُیّا  
 دست‌بندمون دستش که  
 دستبند دستش کردم  
 نامیدمون ناش که  
 هُیّا  
 نامیدمان نکن  
 اُروسیمون پاش که  
 هُیّا  
 کفش را هم به پاهاش کردم



## مروری بر انواع فیض طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۲۵

أُشْتَر بَه قَطَار      هُیَا  
 شْتَر بَه قَطَار  
 مَالِک رَا بَیْـار      هُیَا

در اینجا صاحب‌خانه مقداری تنقلات به بچه‌ها می‌داد و در پایان مراسم سرگروه آنها را تقسیم می‌کرد. (حاجی محمدیاری، پیشین: ۶۱-۶۳)

### ۱-۳. فیض طلبی در ماه محرم

یکی از نکات جالب توجه در آیین فیض طلبی این است که این رسم نه تنها در آیین‌های شادی‌بخش که در سوگ‌یادهای مذهبی نیز جلوه کرده است. مهم‌ترین بازتاب این آیین در ماه محرم جمع‌آوری هیزم برای گرم کردن مکان عزادری بود. در واقع فلسفه و ماهیت وجودی آتش‌افروزی، باعث پیدایش این بخش از فیض طلبی شده است. روشن کردن اجاق عزاداری امام حسین علیه السلام باور وجودی این آیین و تأمین سوخت برای گرم کردن مکان عزاداری در فصول سرد سال وجه کارکردی آن است. در این راه کودکان، یاریگر بزرگسالان برای گردآوردن هیزم و سوخت بودند. زمان جمع‌آوری هیزم مانند اکثر آیین‌های سهم‌خواهی کودکان هنگام غروب بود و این طلب فیض، با خواندن اشعاری همراه می‌شد. برای مثال، در سیوند فارس از اول تا دهم محرم، کودکان برای طلب به در منازل می‌رفتند و چنین می‌خواندند:

یا عَبَّاس یا عَبَّاس      کشک هیمه‌ای درانداز  
 در یزد طلب فیض همراه با دعا و ثنای صاحب‌خانه انجام می‌گرفت:

شاخ شاخ در تنه      کندله به شاخ در تنه  
 هر که شاخی بدهد      خدا مرادش بدهد

سپس کودکان هیزم‌های جمع‌آوری شده را به آتش می‌کشیدند و دور آتش نوحه‌سرایی و سوگواری می‌کردند (آنی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۰ و ۱۰۱). این امر در

مناطق مختلف نام‌های گوناگونی داشت و با اندک تفاوت‌هایی صورت می‌گرفت که در اینجا به چند نمونه زیر اشاره می‌شود:

### ۱-۳-۱. چق چقی

در نایین در ماه محرم و صفر، در حسینیه‌های این شهر مجلس روضه‌خوانی و سینه و زنجیرزنی برپا می‌شد و مقارن غروب هر روز، در حدود ۲۰ بچه هشت تا دوازده ساله با در دست داشتن یک طبل کوچک و تعدادی از آنها با دو قطعه چوب کوتاه به نام «چق چقی» و یک نفر هم با شاخ بلندی که به آن «بوق درویش‌ها» می‌گویند و مربوط به شاخ شکار کوهی است، به در خانه اهالی محل می‌رفتند تا برای مراسم دهل (کوبیدن به طبل بزرگی که اول هر شب برای آگاه کردن مردم از مراسم عزاداری می‌زنند) هیزم جمع کنند. آنگاه به در هر خانه که می‌رسیدند، این اشعار را همراه با نواختن طبل و زدن چق چقی برای صاحب‌خانه می‌خواندند:

نذر حسین و عباس      یک دملچو درانداز

یک دملچو نباشد      شاخ هیزم درانداز

### ۱-۳-۲. دسته‌چوبی

در گرگان یکی از مراسم جالب عزاداری، رسم «دسته‌چوبی» بود. به این ترتیب که به طور معمول، جوانان هر محله دسته‌های عزاداری تشکیل می‌دادند و در این دسته‌ها به جای چراغ، از چند مشعل استفاده می‌کردند. برای تهیه مشعل‌ها نیز چند روز قبل از شروع مراسم سینه‌زنی، بزرگ‌ترها و تشکیل‌دهندگان این دسته‌ها، کودکان را برای جمع کردن وسایل مشعل روانه خانه‌ها می‌کردند. آنگاه بچه‌ها به صورت گروهی به در هر منزلی که می‌رسیدند، یک صدا با هم این شعر را می‌خواندند:

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۲۷

نفت بدین، کهنه بدین، زیرانداز نذر حسین و عباس  
هر چه دارین، درآرین نذر حسین بیارین

آنگاه صاحب‌خانه به تناسب حال خود یا اگر نذر کرده بود، چند تکه کهنه و یا مقداری نفت به بچه‌ها می‌داد. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۳۷ و ۳۸)

سردسته با صدای بلند صاحبخانه را دعا می‌کرد و کودکان آمین می‌گفتند. بعد چند نفر، کهنه‌ها را درون مشعل‌های آهنی می‌گذاشتند و سپس در شب مقرر، با آتش زدن مشعل‌ها جوانان حرکت می‌کردند و با حرکتی که به آن «سه‌پا» می‌گفتند و شبیه دویدن بود، به محله‌های مختلف می‌رفتند و در هر محل کمی نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌کردند. (حاجی محمدیاری، پیشین: ۸۵)

در خرم‌آباد لرستان نیز روز تاسوعا مصادف با قتل حضرت عباس علیه السلام برای جمع کردن هیزم و پختن شام به چند پسر بچه ده دوازده ساله مأموریت می‌دادند تا از خانه‌هایی که نذر دارند، چوب خشک جمع‌آوری کنند. بچه‌ها نیز با اشتیاق فراوان این مأموریت را قبول می‌کردند و به دسته‌های چهار نفری تقسیم می‌شدند و در کوچه‌ها و خیابان‌ها به راه می‌افتادند و این شعر را می‌خواندند:

په خوردی هیمه وری ناس نذر حسین و عباس

یعنی یک قدری هیزم برای پختن غذای مراسم امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام بدهید. صاحبخانه چه نذر داشت و چه نداشت، به محض شنیدن این صداها چند تکه چوب خشک می‌آورد و به کودکان می‌داد و آنها پس از جمع‌آوری چوب‌ها آنها را به محل پخت غذا می‌بردند. (هاشمی، پیشین: ۳۷ و ۳۸)

## ۲. فیض طلبی در آیین‌های ملی

### ۲-۱. فیض طلبی در عید نوروز

از انواع فیض طلبی‌های نوروز می‌توان به رسم شال‌اندازی، عیدی طلبیدن کودکان و نوجوانان و تهیه هدیه ملای مکتبخانه اشاره کرد. به این طریق که کودکان برای پرداخت عیدی به ملأ، نزد پدر، مادر، عمه، خاله، عمو، دایی و ... می‌رفتند و با خواندن نروزنامه از آنها عیدی می‌طلبیدند. آنها نیز به کودکان مقداری پول یا یک عدد تخم‌مرغ یا خروس یا حتی گوسفند به عنوان عیدی می‌دادند تا کودکان بعد از تعطیلات عید، برای معلمشان ببرند. معلم هم مقداری از عیدی‌ها را به شاگردان بر می‌گرداند و بقیه را به عنوان عیدی برای خودش برمی‌داشت. (رحیمی، رامهرمز، ۱۳۴۸)

در ایام نوروز، در ایذه خوزستان، کودکان برای جمع‌آوری عیدی برای معلم خود (و در بعضی از نقاط کشور برای خودشان) اشعاری را برای پدر، مادر، خواهر، عمو و دایی می‌خواندند که به شرح زیر بود:

نوروز شد/ نوروز شد/ عید همه امروز شد/ گل در چمن فیروز شد  
بابا بده نروزی‌ام

بابا تویی تاج سرم/ عیدی بیاور در برم/ تا بهر استادم برم/ بابا بده  
نروزی‌ام  
هر چه دهی من راضی‌ام

ای مادر خوش مهربان/ دستت بکن در بقچه‌دان/ ما را به زور می‌کنی روان  
مادر بده نروزی‌ام

مادر تو نوروزی بده/ از بهر دلسوزی بده/ یا نقره فیروزی بده  
مادر بده نروزی‌ام

مادر تو زادی بچه را/ بگشا در صندوقچه را/ ما را به زودی کن رها  
مادر بده نروزی‌ام

ای خواهر شیرین‌زبان/ دستت بکن در بقچه‌دان/ ما را به زودی کن رها

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۲۹

خواهر بده نوروزی‌ام

ای عمومی نیکوسرشت / جای تو بالا در بهشت / ملای من عیدی نوشت  
 عمو بده نوروزی‌ام (ماکویی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۳ و ۸۴)  
 عیدی شاگردان به ملّا به طور معمول دو روز بعد از تحویل سال داده  
 می‌شد. به این ترتیب که همه شاگردان در یک زمان بخصوص جمع می‌شدند  
 و به دیدار معلّم می‌رفتند و عیدی خود را تقدیم می‌کردند. (عربی، ممسنی،  
 ۱۳۵۴)

## ۲-۲. فیض‌طلبی در شب یلدا و چهارشنبه‌سوری

کودکان در بسیاری از آیین‌های این دو جشن در کنار بزرگ‌ترها حضور  
 داشتند و در برخی دیگر مانند شال‌اندازی خود مجری مستقل آیین بودند.

### ۲-۲-۱. شال‌اندازی

این آیین در بسیاری از مناطق، در ایام مختلفی همچون شب‌یلدا،  
 چهارشنبه‌سوری و نوروز برگزار می‌شود. در لرستان به آن «شال درکی»  
 (šâldoreki) در تبریز «قورشاخ سالاماخ» (quršâx sâlâmâx) و در آذرشهر  
 «برشالاماق» (barsâlâmâq) می‌گویند. در برخی از شهرها و روستاهای  
 استان‌های شمال غرب و غرب کشور، دامادها این کار را با تشریفات بیشتری  
 انجام می‌دادند و به طور معمول، به جای شال، کجاوه آینه‌کاری شده‌ای را  
 برای طلب فیض از دریچه سقف خانه نامزد خود آویزان می‌کردند تا کجاوه از  
 آجیل، شیرینی، میوه خشک شده، آینه، بادام، جوراب پشمی یا پول پر شود که  
 در این حال، با دعا و ثنای داماد آیین به اتمام می‌رسید. در برخی مناطق نیز  
 کودکان مجری آیین بودند؛ به این ترتیب که چادر، شال یا کلاه نمادی خود را  
 از دریچه به پایین خانه‌ها می‌فرستادند و طلب اعانه می‌کردند. در لرستان، این  
 اشعار در شال درکی از سوی گروه کودکان خوانده می‌شد:

imšū avval e vehâra

ایمشو اوّل وهاره

	امشب اوّل بهار است
xeyr de hunet bevâra	خیر د هونت بواره
	خیر در خانهات بیارد
nun o panir o šire	نون و پنیر و شیره
	نون و پنیر و شیره
keyxâ hunat namire	کیخوا هونت نمیره

صاحب‌خانهات نمیرد (دوستی، ۱۳۸۷: ۶۶-۴۴)

شال‌اندازی کودکان گاه با استقبال بزرگ‌ترها همراه بود که به رسم مهمان‌نوازی چنین می‌خواندند:

befarmâ payin pât mine češem	بفرما پایین پات مین چشم
	بفرماید پایین قدمتان روی چشم ما جای دارد
ve rame mardem xarjet mikašem	و رسم مردم خرجت می‌کشم

به رسم مردم‌داری و مهمان‌نوازی از شما پذیرایی می‌کنم (شایسته‌رخ، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

گاه نیز صاحب‌خانه برای شوخی و مزاح، پوست میوه، زغال، سنگ درشت و یا چیزهای بی‌ارزش دیگری به پر شال کودکان می‌بست و موجبات خنده خانواده را فراهم می‌کرد. این رفتار زمانی رخ می‌داد که صاحب‌خانه شال‌انداز را می‌شناخت. (چنگایی و حنیف، ۱۳۷۴: ۷۳)

## ۲-۲-۲. برّه گردانی

این رسم کودکانه نیز در میان ساکنان کوهپایه‌ای گیلان بویژه گالش‌ها مرسوم بوده است. در این آیین، بچه‌ها برّه سفیدی را انتخاب و با حنا رنگ می‌کردند؛ سپس دستمال سفیدی به گردنش می‌بستند و آن را به خانه روستایی‌ها می‌بردند و در اتاق نشیمن رها می‌کردند. برّه در اتاق گشت می‌زد و صاحب‌خانه یکی دو سگه پول و مقداری آجیل و شیرینی در دستمال گردن

مروری بر انواع فیض طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۳۱

آن می‌گذاشت؛ بچه‌ها هم پیشاپیش سال نو را به صاحب‌خانه تبریک می‌گفتند و به همراه برّه به خانه دیگری می‌رفتند. (دوستی، پیشین: ۸۲-۸۱)

۲-۲-۳. علی دوستو (alidustu)

این آیین فیض‌طلبی، تجدید میثاق کودکان با ائمه اطهار علیهم‌السلام بود. چرا که اشعار غالب این آیین، خوانش مذهبی «دوازده امام‌خوانی» است. «علی دوستو» در بسیاری از مناطق، علاوه بر چهارشنبه‌سوری، در شب بیست و هفتم ماه رمضان نیز به نشانه ابراز ارادت به امام اول شیعیان مولی علی علیه‌السلام برپا می‌شد. آیین علی دوستو در گذشته در چهارشنبه‌سوری و امرزان دامغان چنین برگزار می‌شد:

در این شب کودکان بعد از صرف شام، جمع می‌شدند، به در خانه همسایگان می‌رفتند و «دوازده امام‌خوانی» می‌کردند:

همی خوانم امام اولی را شاهنشاه عرب آقا علی علیه‌السلام را

شب عیدت مبارک

زبان بشکفت تا گویم سخن را امام دومین یعنی حسن علیه‌السلام را

شب عیدت مبارک

امام سومین آن نور عین است شهید کربلا آقا حسین علیه‌السلام است

شب عیدت مبارک

امام چهارمین زین‌العابدین علیه‌السلام را گل باغش محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام پنجمین را

شب عیدت مبارک

امام ششمین که هست جعفر علیه‌السلام گل گلدسته آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

شب عیدت مبارک

امام هفتمین موسی کاظم علیه‌السلام بدین انعام تا دستت بنازم

## ۱۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شب عیدت مبارک

 امام هشتمین آقا رضا علیه السلام را رضا بودی و خوردی زهرها را

شب عیدت مبارک

 امام نهمین ورد زبانشت نقی علیه السلام بخشنده هر دو جهان است

شب عیدت مبارک

امام یازدهم آن عسگری را به تو آسان روز جلّی را

شب عیدت مبارک

امام دوازدهم قائم آل محمد که نامش مهدی و فرزند احمد

شب عیدت مبارک

(کشاوریان، دامغان، ۱۳۵۰)

## ۲-۲-۴. جمع‌آوری هیزم

این فعالیت هرچند بیشتر در ماه محرم، برای گرم کردن مجالس عزاداری و به نیت روشن نگه‌داشتن اجاق سیدالشهدا علیه السلام انجام می‌گرفت، اجرای آن در چهارشنبه‌سوری مبین این نکته بود که نه تنها آیین‌های ملی و مذهبی از یکدیگر جدا نیستند بلکه قرابت بسیاری نیز با یکدیگر دارند و این قرابت، هم در ساختار و هم در اشعار و ادبیات مراسم به چشم می‌خورد. برای نمونه، در روستای فیروزآباد میبد، در شب چهارشنبه‌سوری کودکان دسته‌جمعی به در خانه‌ها می‌رفتند و می‌خواندند:

شاخ شاخ در منه هیزم تو خونه خرمنه

هر که یه شاخی بدهد خدا مرادش می‌دهد

و اگر صاحب‌خانه‌ها به آنها هیزم می‌دادند، این گونه می‌خواندند:

در این خونه آجره صاحب‌خونه تاجره



مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۳۳

هیزم‌های جمع‌آوری شده را به روی پشت‌بام‌ها می‌بردند و آتش می‌زدند و از روی آن می‌پریدند. (دوستی، پیشین: ۴۱)

### جمع‌بندی

شادی در نزد کودکان نسبت به بزرگسالان تعریف متفاوتی دارد. نشاط و سرور آیینی نوعی از شادمانی و شادکامی است که در بستر جمع و به منظور اجرای یک آیین حاصل می‌شود. در گذشته، فیض‌طلبی یکی از انواع آیین‌های شادی‌بخش کودکانه بود که گاه اهدافی اجتماعی را دنبال می‌کرد. اما آنچه در این آیین، شادی را نصیب کودکان می‌کرد، تشکیل گروه، خواندن آوازه‌ها و شادیانه‌های کودکانه بود که هم از نظر مضمون و هم به لحاظ قالب (مطایبه، هجو طعن) بسیار گونه‌گون و متنوع بود.

کودکان با خواندن آوازه‌ها و ترانه‌های سهم‌خواهی، گفت و شنود طنزآمیزی را با بزرگسالان پی‌می‌افکنند؛ گفت و شنودی که از یک سو، کرم، بخشش و فضل بزرگسالان را می‌آزمود و از سوی دیگر، کودکان را برای تعامل و گفتگو با افراد بزرگسال، انجام کار خیر و اعلان کین نسبت به دشمنان ائمه اطهار علیهم‌السلام آماده می‌کرد.

## منابع

### الف) کتاب

۱. چنگایی، عزت‌الله و حنیف، محمّد (۱۳۷۴) فرهنگ قوم لر، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲. وکیلان، سیداحمد (۱۳۷۰) رمضان در فرهنگ مردم، تهران: سروش.

### ب) گزارش پژوهشی

۱. آنی‌زاده، علی (۱۳۸۸) «فرهنگ بازی‌های لرستان»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۲. حاجی‌محمدیاری، رقیه (۱۳۸۸) «جلوه‌های آیینی ماه شعبان در فرهنگ مردم ایران»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۳. دوستی، شهرزاد (۱۳۸۷) «جلوه‌های چهارشنبه‌سوری در فرهنگ مردم ایران»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۴. شایسته‌رخ، الهه (۱۳۸۷) «استقبال از سرما با بدرقه یلدا»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۵. شعبانی‌اصل، فاطمه (۱۳۸۷) «جلوه‌هایی از نیمه شعبان در گستره فرهنگ مردم ایران»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۶. ماکویی، سویل، دوستی، شهرزاد و حاج محمدیاری، رقیه (۱۳۸۸) «نوروز در فرهنگ مردم از استقبال تا بدرقه» گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۷. مشرف، سیدرضا (۱۳۸۰) «رمضان در ادب عامه مردم خراسان»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۸. هاشمی فشارکی، علیرضا (۱۳۸۲) جایگاه مقدس حضرت ابوالفضل العباس در فرهنگ مردم ایران، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

مروری بر انواع فیض‌طلبی‌های کودکانه در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۳۵

### فرهنگیاران

رحیمی، یدالله، رامهرمز، خوزستان، ۱۳۴۸

عربی، [بی‌نام]، ممسنی، فارس، ۱۳۵۴

کشاورزیان، علی، دامغان، سمنان، ۱۳۵۰





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی